پنجشنبه ۶ دی ۱۴۰۳
شماره ۴۳۱۴
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

شما می‌توانید مخالف رفع فیلتر باشید؛ ولی برای استدلالتان زمین و زمان را به هم ندوزید و قانون‌گریز نباشید

دو گیگ حرف رایگان

علی ملکی
خبرنگار گروه نقد روز

به‌نظر می‌رسد برخی با هر تصمیم که رنگ و بوی قانون داشته باشد، مشکل دارند. روح‌الله مؤمن‌نسب، دبیر ستاد امر به معروف استان تهران در شاهکاری جدید، رفع فیلتر واتساپ و گوگل‌پلی را نه‌تنها خیانت به انقلاب، بلکه اجرای «دستور نتانیاهو» معرفی کرده و شأن قانونی یک شورای عالی را زیر سؤال برده است. این واقعاً خطرناک است که برخی، قوانین را فقط وقتی مقدس می‌دانند که به نفعشان باشد. مؤمن‌نسب تا دیروز در حمایت از قوانین حجاب و عفاف، تمام منتقدان را به قانون‌گریزی متهم می‌کرد و با صدایی رسا می‌گفت که قانون، قانون است و باید اطاعت شود. اما امروز که شورای عالی فضای مجازی تصمیمی گرفته و قانونی تصویب کرده، ناگهان همان اصل مقدس به خاک افتاده و در قاموس ایشان، «خیانت» و «اجرای دستور نتانیاهو» نام گرفته است.

آقای مؤمن‌نسب! این تغییر سریع مواضع شما نشان می‌دهد که برایتان قانون، نه اصل ثابتی برای نظم و عدالت، بلکه ابزاری برای دفاع از سلیقه و منافع شخصی است. اگر دیروز اطاعت از قانون، واجب و بی‌چون‌وچرا بود، چرا امروز که این قانون در جهت خلاف نظرات شماست، با آن می‌ستیزید؟

اگر رفع یک محدودیت اینچنین بر شما گران آمده، شاید بهتر باشد نگاهی به آرشیو مصاحبه‌های خودتان بیندازید. همان زمان که با افتخار ساخت اکانت‌های جعلی در توییتر را اعلام می‌کردید و «آتش به اختیار» بودید. آن روزها لشکرکشی مجازی نه خیانت به انقلاب بود، نه تهدیدی برای امنیت ملی، بلکه گویا نوعی هنر بی‌بدیل محسوب می‌شد. چه شد که حالا هر تغییر مثبتی که به نفع مردم باشد، به خیانت و توطئه تعبیر می‌کنید؟ آیا انقلابی که شما از آن دم می‌زنید، تنها در چهارچوب سلایق شما تعریف می‌شود؟ یا اینکه هر تصمیمی که خلاف میل‌تان باشد، بلافاصله به اتهاماتی مثل «خیانت» و «ترس از لشکر مجازی غرب» متهم می‌شود؟ بهتر نیست به‌جای توهین به قانون و سران نظام کمی واقع‌بینانه‌تر به نیازهای جامعه نگاه کنید؟ شاید وقت آن رسیده که انقلاب را نه ارثیه خانوادگی، بلکه حرکتی مردمی بدانید که نیازمند نگاه‌های دلسوزانه و عاقلانه بیشتری است، نه غوغا و جنجال.

ظلم بزرگ به مسئولان کشور و رأی مردم

شما می‌توانید نسبت به یک قانون مخالفت داشته باشید؛ اما نمی‌شود که زمین و زمان را برای مخالفت با یک مصوبه‌ای که تبدیل به قانون و اجرایی شده به هم بدوزید و پای یزید را هم وسط بکشید.

اینکه کسی برای تخریب طرف مقابل، یزید زمانه را به میدان بیاورد و در همان خط اول از شدت عصبانیت، یزید را به «یزد» تبدیل کند، جای تأمل دارد. این اشتباه به‌ظاهر ساده، نشانه‌ای از یک متن شتاب‌زده و بی‌دقت است که در آن کلمات به‌جای معنا دادن، از شدت عصبانیت و هیجان تایپ شده‌اند. آیا بهتر نیست قبل از اینکه شمشیر بر صفحه «ویراستی» بکشید، کمی فکر کنید و لااقل متن را بازخوانی کنید؟ از سوی دیگر اینکه سران نظام و اعضای شورای عالی فضای مجازی را به یزید تشبیه کنید، آن هم به خاطر یک تصمیم قانونی، نه‌تنها دور از انصاف است، بلکه از جنسی است که خود شما بارها علیه آن موضع گرفته‌اید. چنین عباراتی بیشتر از هر چیز به بی‌منطقی و نگاه تک‌بعدی نویسنده متن اشاره می‌کند. شاید نوشیدن یک استکان گل‌گاوزبان و دورشدن از صفحه موبایل، راه‌حل خوبی برای این حجم از برانگیختگی برای رفع فیلترشدن دو اپلیکیشن باشد.

از این به بعد می‌گوییم قانون را به نفع شما بنویسند

همین چند وقت پیش، مؤمن‌نسب و هم‌فکرانش هر منتقدی را که به قوانین حجاب و عفاف معترض بود، با طعنه به «قانون‌گریزی» متهم می‌کردند و می‌گفتند «قانون، قانون است و باید اطاعت کرد.» حالا که تصمیم شورای عالی فضای مجازی به نفع مردم و در راستای کاهش محدودیت‌های بی‌فایده بر فضای مجازی گرفته شده، چرا ناگهان همان قانون «خنجرزدن به کمر انقلاب» تلقی می‌شود؟ چرا دیگر این اصل مقدس نیست؟ این چرخش فکری شگفت‌انگیز نشان می‌دهد که قانون، برای برخی فقط وقتی محترم است که سلیقه شخصی‌شان را پوشش دهد.

شما که خودتان این‌کاره‌اید

مؤمن‌نسب در بخش دیگری از «ویراست» خود ادعا می‌کند که تصمیم شورای عالی فضای مجازی از ترس «لشکر مجازی غرب» گرفته شده. چگونه هر منتقدی که خلاف نظر شما حرفی بزند، ناگهان به لشکر مجازی غرب، تبدیل می‌شود؟ فارغ از این کسی که خودش سابقه سرلشکری در فضای مجازی را دارد و به آن افتخار می‌کند، نمی‌تواند از لشکرکشی در این فضا بگوید. اوایل سال ۱۴۰۱ بود که مؤمن‌نسب در مصاحبه‌ای اعلام و افتخار کرد که به اسم افراد تاثیرگذار در توییتر اکانت فیک می‌ساخته و آتش به اختیار فعالیت می‌کرده است. همان زمان برخی از حقوق‌دانان به این موضوع واکنش نشان دادند و این عمل را به مثابه اعتراف صریح وی به ارتکاب برخی جرایم نظیر جعل، نشر اکاذیب و حتی اقدام علیه امنیت ملی دانستند که ظرفیت پیگیری قضایی دارد. بخش عمده‌ای از نقدهایی که به فیلترینگ به شکل کنونی وارد می‌شود، از سوی دلسوزان همین کشور و همین نظام مطرح می‌شود و همه اهل لشکرکشی نیستند.

انقلاب برای همه مردم است

اینکه کسی تصمیم قانونی یک شورای عالی کشور را خیانت به انقلاب بداند، بیش از هر چیز نوعی نگاه انحصارطلبانه را نشان می‌دهد که گویا انقلاب اسلامی، نه حرکتی مردمی و برای همه مردم، بلکه ارثیه خانوادگی یک عده خاص است. مگر انقلاب اسلامی بر اساس همراهی و خواست مردم شکل نگرفت؟ مگر قرار نبود این حرکت عظیم، نمایانگر اتحاد و شراکت همه آحاد جامعه در ساختن آینده باشد؟ پس چگونه می‌شود که عده‌ای تصمیم قانونی و مبتنی بر نیازهای جامعه را صرفاً به این دلیل که با سلایق‌شان همخوانی ندارد، خیانت می‌دانند؟ این نگاه مالکانه، به‌جای تقویت همبستگی، تنها به تفرقه‌افکنی و دوپاره کردن جامعه دامن می‌زند. کسانی که هر تصمیم مخالف نظرشان را توهین به ارزش‌ها می‌دانند، گویا فراموش کرده‌اند که انقلاب تنها به سلیقه آن‌ها محدود نمی‌شود. قانون و سیاست‌گذاری در یک نظام مردم‌سالار باید بازتابی از نیازها و خواسته‌های جامعه باشد، نه ابزاری برای تحمیل اراده یک عده.

جالب اینجاست که همین افراد، وقتی تصمیمی مطابق میل‌شان گرفته شود، آن را نهایت عقلانیت و درایت می‌دانند و خواهان تبعیت بی‌چون‌وچرا هستند. اما اگر همان نهاد قانونی تصمیمی برخلاف سلایقشان بگیرد، به‌یکباره همه چیز به خیانت، دشمنی با انقلاب و توطئه تبدیل می‌شود.

امید اجتماعی را تخریب نکنید

رفع فیلتر واتساپ و گوگل‌پلی نشان داد که انسداد در حکمرانی فضای مجازی، یک ادعای نادرست است. این تصمیم نه‌تنها به نیاز واقعی مردم پاسخ داد، بلکه امید اجتماعی را به فضای سیاست‌گذاری بازگرداند. اما ظاهراً این نشانه‌های مثبت برای برخی تلخ است. این مقاومت در برابر قانون، بیشتر از هر چیزی نشان‌دهنده یک گارد مستحکم فکری است که برخی نمی‌خواهند از آن عبور کنند.

افزایش امید اجتماعی از طریق یک تصمیم درست و متناسب با نیازهای جامعه، نقطه قوت هر حکمرانی خردمندانه است. اما عجیب اینجاست که برخی از این تغییرات مثبت نه‌تنها برایشان خوشایند نیست، بلکه تهدیدی جدی به نظر می‌رسد. برای این افراد، هر گامی به سمت اصلاح، پیشرفت یا رفع محدودیت‌ها، چیزی شبیه به زنگ خطر است. گویی آنها، بقا و هویت خود را نه در رضایت و همراهی مردم، بلکه در حفظ وضع موجود و محدود کردن تغییرات می‌بینند.

هرچند حکمرانی صحیح در فضای مجازی فقط به رفع فیلتر واتساپ و گوگل‌پلی محدود نمی‌شود؛ اما این تصمیمی بود که در شرایط امروز، نشان‌دهنده عقلانیت و درک درست از مطالبات جامعه است. این تصمیم نشان داد که امکان اصلاح در وضعیت فیلترینگ وجود دارد و تصمیم‌گیران می‌توانند به نیازهای واقعی مردم توجه کنند. چنین نشانه‌هایی از امید اجتماعی، برای اکثریت جامعه دلگرم‌کننده است؛ اما در همین حال، برای برخی به مثابه چالشی غیرقابل تحمل است. امید اجتماعی سرمایه‌ای است که نه‌تنها باید حفظ شود، بلکه باید با تصمیمات عاقلانه تقویت هم شود. کسانی که از این سرمایه هراس دارند، در نهایت به انزوای خود دامن می‌زنند.

نظر شما نظر قانون نخواهد بود

تصمیمات قانونی کشور، به‌ویژه وقتی در راستای منافع عمومی باشد، شایسته احترام است. اما ظاهراً شما به‌جای احترام، دست به دامان قصه‌سرایی و ساخت اکانت فیک می‌شوید. اینکه هر تصمیمی که به مذاق شما خوش نیاید، بلافاصله با برچسب‌هایی مثل خیانت، لشکرکشی و یا حتی لشکر مجازی غرب تخریب شود، خیلی رفتار جالبی نیست. بهتر است کمی آرام‌تر و شکیباتر به مسائل نگاه کنید. هیچکس منتظر دستور شما برای فیلتر کردن یا نکردن یک پلتفرم نیست و نظر قانون می‌تواند متفاوت از چیزی که شما در نظر دارید باشد. به‌جای تشبیهات ناروا و متهم کردن دیگران، بد نیست کمی به این فکر کنید که شاید ایراد از زاویه دید خودتان باشد. قبول کنید که تغییر و پیشرفت حتی اگر تلخ باشد، بخشی از مسیر طبیعی هر جامعه‌ای است. شاید وقت آن رسیده که چکش را زمین بگذارید و به جای تخریب، کمی گوش کنید و ببینید که جهان فراتر از دایره کوچک سلایق شما چطور پیش می‌رود. بعید نیست فردا ما را هم جزو همان لشکرهایی که در ذهنتان ساخته‌اید قرار دهید اما باکی نیست؛ چراکه حقیقت همیشه از تهمت‌ها عبور کرده و به مسیر خود ادامه می‌دهد. نظر و سلیقه شما محترم است؛ اما قانون محترم‌تر.

موج خبرسازی‌های گسترده چطور می‌خواهد میز مذاکره را بسوزاند؟

برای مذاکرهٔ بی‌ایده ذوق مرگ نشوید

حمیدرضا غلام‌زاده: مذاکره از موضع ضعف محکوم به شکست است

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

«دولت ایران در حال بررسی میانجی‌گری ژاپن در مذاکرات پشت پرده با دولت بعدی آمریکا درمورد مذاکرات هسته‌ای است.» روز سه‌شنبه خبرگزاری کیودو ژاپن این خبر را به نقل از یک منبع ایرانی منتشر کرده است. از زمانی که نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا مشخص شد، اخبار متفاوتی به نقل از مقامات آگاه در رسانه‌های خارجی منتشر شده است، خبر شروع مذاکره با اروپایی‌ها را نیز کیودو ژاپن منتشر کرده بود. در این مدت البته ژاپن نیز به‌عنوان تنها واسطه احتمالی میان ایران و آمریکا معرفی نمی‌شود و اخباری که درمورد سفر مقامات وزارت خارجه به اسلو منتشر شده بود هم از جمله اخباری بود که درمورد مذاکرات احتمالی مطرح شد. اعلام میانجی‌گری توسط «ژاپن» نیز تنها خبری نخواهد بود که تا آمدن ترامپ به کاخ سفید و مشخص شدن مسیر مذاکرات منتشر می‌شود، موضوع مهمی که فارغ از مذاکره یا عدم مذاکره مورد توجه قرار دارد این است که ایران چه ایده مشخصی برای مذاکره با آمریکایی‌ها دارد و اصلاً می‌خواهد چه نتیجه‌ای از مذاکره حاصل کند؟ علی‌رغم اینکه به نظر می‌رسد انگیزه قابل‌توجهی برای مذاکره از جانب دولت وجود دارد، اما همچنان پاسخی برای این پرسش که ایده اصلی برای مذاکره چیست نمی‌توان پیدا کرد، امری که تنها خروجی آن تلاش ارسال پالس ضعف و اشتیاق برای مذاکره است. برای بررسی این موضوع که ایران باید چه هدف‌گذاری مشخصی برای مذاکرات داشته باشد با حمیدرضا غلام‌زاده کارشناس مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه آن را از نظر می‌گذرانید.

حمیدرضا غلام‌زاده: مذاکره از موضع ضعف محکوم به شکست است

غلام‌زاده معتقد است که در شرایط فعلی اساساً امکان مذاکره با فردی مثل ترامپ وجود ندارد و گفت: «پیش از این، یک بار شینزو آبه پیغامی برای ایران آورده بود؛ دقیقاً در دوره ترامپ بود که آن پیغام دریافت نشد و ما اعلام کردیم که از ایشان چیزی نمی‌گیریم. ژاپن به لحاظ نظامی و امنیتی کاملاً در چهارچوب آمریکا قرار دارد و ارتش رسمی ندارد و بعد از جنگ جهانی دوم، می‌توان ژاپن را به‌عنوان یک کارگزار آمریکا در نظر گرفت. اما فارغ از اینکه چه کسی بخواهد میانجی‌گری کند یا این مذاکرات به‌صورت مستقیم انجام شود، مسئله این است که آیا فاکتورهایی برای مذاکره با فردی مثل ترامپ وجود دارد؟ پاسخ این است که در شرایط کنونی، فاکتورها و پیش‌نیازهای لازم برای چنین مذاکراتی وجود ندارد. به بیان واقع‌بینانه، زمینه‌ای برای تفاهم و مذاکره با آمریکا فراهم نیست. برخلاف آنچه در یادداشت‌های آقای ظریف یا آقای موسویان مطرح می‌شود، واقعیت این است که شرایط برای مذاکرات وجود ندارد.»

در شرایط فعلی تمایل به مذاکره برای امتیازگیری است

یکی از دلایل اصلی برای ممکن نبودن مذاکره و توافق، فضای داخلی آمریکاست و علاوه بر این، برداشت آمریکا از شرایط فعلی ایران هم دلیل دیگری است که مانع به نتیجه رسیدن مذاکرات می‌شود. غلام‌زاده به این موضوع اشاره کرد و گفت: «اگر بخواهیم واقع‌بینانه بررسی کنیم، چند دلیل وجود دارد که نشان می‌دهد توافق با آمریکا ممکن نیست:

۱ فضای داخلی آمریکا: تیمی که ترامپ برای دولت جدیدش معرفی کرده، به مراتب ایران‌ستیزتر از دوره اول است. با چنین چهره‌هایی، حتی اگر ترامپ بخواهد هم مذاکره با ایران آسان نخواهد بود؛ چرا که آنها نیز نقش دارند و به‌شدت مخالف خواهند بود.

۲ وضعیت ایران در نگاه آمریکا: آمریکا زمانی با ایران وارد مذاکره واقعی می‌شود که تصویری مقتدر از ایران داشته باشد. اما در شرایط کنونی، تصویر آمریکا از ایران بیشتر به ضعف نزدیک است تا اقتدار. این تصویر چنان است که حتی انگیزه‌ای برای مذاکره با هدف امتیازگیری نیز وجود ندارد. نگاه آنها بیشتر به سمت ضربه زدن و بستن پرونده هسته‌ای است، نه توافق جدی. بنابراین، حتی در موضع ضعف کنونی، اگر تمایلی به مذاکره نشان داده شود، بیشتر برای امتیازگیری خواهد بود، نه امتیاز دادن.»

اگر با وضعیت فعلی وارد مذاکره شویم، نتیجه جز شکست نخواهد بود

غلام‌زاده به این موضوع اشاره کرد که همچنان تصور کدخدایی بر برخی افراد در دولت حاکم است و گفت: «این تفکر که همه مشکلات از طریق مذاکره با آمریکا حل می‌شود، در دستگاه سیاست خارجی دولت آقای پزشکیان حاکم است. وزیر خارجه یا رئیس‌جمهور عوض شده‌اند، اما تفکر کدخدایی آمریکا که در دولت آقای روحانی هم وجود داشت، همچنان بر دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی دولت چهاردهم سایه انداخته است. به‌عنوان نمونه، آقای ظریف اخیراً با سفیر ژاپن دیدار داشته و پس از آن خبر میانجی‌گری ژاپن برای مذاکره با آمریکا منتشر می‌شود. همچنین یادداشت او در فارن افرز که اعلام کرده «ما حاضریم در همه چیز مذاکره کنیم»، این به نوعی این رویکرد را تأیید می‌کند و از آن طرف گفته می‌شود ما چاره‌ای جز مذاکره با آمریکا نداریم. در حالی که اگر با وضعیت فعلی وارد مذاکره با آمریکا شویم -همان‌طور که در مذاکره با اروپا مرتکب این اشتباه شدیم- نتیجه قطعاً شکست خواهد بود. قطعاً امتیاز دادن و امتیاز نگرفتن خواهد بود. شاید به توافقی برسیم اما به توافقی بد می‌رسیم. این‌طور هم نیست که توافق بد بهتر از عدم توافق باشد.»

مذاکره از موضع ضعف، یک سیبل آماده در اختیار آمریکا قرار می‌دهد

غلام‌زاده در مورد اینکه دستور کار برای مذاکره احتمالی با آمریکا می‌بایست چه باشد، گفت: «مسئله ترامپ درباره ایران، هسته‌ای است؛ حداقل آن چیزی که علناً مطرح می‌کند. چالش اصلی کابینه معرفی‌شده‌اش نیز همین موضوع است. اگر مذاکره وارد مسائل دیگر شود، یعنی باب این موضوع باز شود که ایران حاضر است در موضوعات منطقه‌ای مذاکره کند، پیش از آنکه میز مذاکره برقرار شود، گسترش جنگ منطقه‌ای قطعی است. اگر بدانند، تصویر همان منطق ضعف است و شما حاضر باشید در موضوع منطقه‌ای مذاکره کنید، به این معنی است که به دلیل دست خالی‌بودن و ضعف، ناچار به ورود به این بحث شده‌اید؛ موضوعی که همیشه خط قرمز ایران بوده است. این ضعف، برای آمریکا و رژیم صهیونیستی چیزی جز یک سیبل آماده تلقی نخواهد شد.»

غلام‌زاده معتقد است که در شرایط فعلی مذاکره، گزینه مطلوبی نیست و توضیح داد: «باید از فضای فانتزی ذهنی برخی دوستان بیرون بیاییم. واقعیت صحنه چیز دیگری است. با این اوصاف، مذاکره در وضعیت فعلی، گزینه مطلوبی نیست. چه این مذاکره با اروپا باشد و چه با آمریکا، در مقطع فعلی هیچ آورده‌ای برای ما نخواهد داشت. حتی اگر این مذاکرات، به تعبیر برخی دوستان، به‌جای مذاکره، در قالب گفت‌وگو برای نشان‌دادن حسن نیت باشد. تصویر طرف مقابل از این وضعیت، همان چیزی نیست که دوستان تصور می‌کنند. شناخت درستی از طرف مقابل وجود ندارد و به نظر می‌رسد، تصمیمات بر اساس آرزوها و تصورات فانتزی گرفته می‌شود.»